



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: قبله

درباره قاعده "من أدرك" سوال شده که پنج روایت در این رابطه داریم که سه تا صحیح و دو تا ضعیف هستند، در جواب عرض می کنیم که از این یک قاعده کلی استفاده می شود و اگر فقط یک روایت داشتیم نیز کافی بود و از طرفی این روایات مورد عمل اصحاب و فقهاء ما هستند لذا از نظر سند اشکالی نیست و دلالتش هم معلوم است.

مقام ابراهیم دارای موقعیت بسیار بالائی است: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ دو رکعت نماز طواف را در مقام ابراهیم بجا بیاورید، مقام ابراهیم نقطه ای نزدیک خانه کعبه می باشد و فقهاء ما فرمودند در صورتی که ممکن باشد بعد از طواف باید صبر کند و نماز طواف را در آنجا بخواند، ولی ما عرض می کنیم گاهی به علت ازدحام جمعیت و عدم ظرفیت مکانی نمی شود در مقام ابراهیم نماز خواند که اگر اینطور شد ناچاراً باید با مراعات الأقرب فی الأقرب به مقام ابراهیم نماز طواف را بخواند، بنده در مناسک دارم که حتی در صورت اختیار و امکان نیز در کل مسجد الحرام می توان نماز طواف را خواند و لازم نیست فشار جمعیت را تحمل کنیم تا حتماً در مقام ابراهیم نماز طواف را بخوانیم، بله مستحب است در مقام ابراهیم الأقرب فی الأقرب مراعات شود، ما اینطور قائل شدیم ولی دیگران گفته اند حتی الامکان باید صبر کند تا خلوت بشود و نماز طوافش را در مقام ابراهیم بخواند.

درباره محاذات باز سوال شده و گفته شده که مسئله محاذات درست حل نشده که خب بحث ما فعلاً در همین مسئله می باشد، صاحب عروه فرمود محاذات یک بحث عرفی

است و: "لا يعتبر اتصال الخط من موقف كل متصل بها (کعبه)، بل المحاذاة العرفية كافية".

آیت الله بروجردی بر خلاف صاحب عروه در محاذات قائل به اتصال خط شده، ایشان فرمودند آنچه که محقق محاذات می باشد این است که وقتی نگاه می کنیم از چشم انسان یک شعاع و موجی به طرف آنچه که مستقبل ماست ایجاد می شود و پیش می رود تا به آنچه که می خواهیم ببینیم می رسد، ایشان فرمودند اجسام نسبت به ما سه حالت دارند؛ مسطح (صاف) و محدب (دارای برجستگی) و مقعر (دارای فرو رفتگی)، سر انسان دائره ای شکل و محدب است برای همین خطوطی که از آن خارج می شوند و تکرر پیدا می کنند با هم متوازی نیستند و فاصله مساوی ندارند بلکه انفرج دارند و هر چه جلوتر بروند فاصله آنها بیشتر می شود حالا وقتی ما به سمت قبله بایستیم بالاخره یکی یا بعضی از این خطوط به خانه کعبه می خورد و همین برای تحقق محاذات و استقبال کعبه به عنوان قبله کافی می باشد، این در مورد استقبال عین خانه کعبه بود و اما آقای بروجردی درباره استقبال جهت کعبه اینطور می فرماید: «و الذي يقوى في النظر في تعريف الجهة، هو الذي ذكره المحقق في المعبر و اختاره و قد سبق، و يمكن أن يقال في تقريره: إنه و إن كان يتوقف تحقق توجه الوجه إلى شيء على خروج خط مستقيم من وسط الوجه و وقوعه على ذلك الشيء، إلا أن ذلك إنما هو بالنسبة إلى القريب، و أما البعيد فيكفي فيه مجرد خروج خط مستقيم من جزء من أجزاء وجهه إليه و إن لم يكن من وسطه، للزوم الحرج في المقام لو أوجبنا خروج ذلك الخط من وسط الوجه و هو منفي شرعا.

و يؤيد ما ذكرنا صحيحة وزارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: "لا صلاة إلا إلى القبلة"، قال: قلت: أين حدّ القبلة؟ قال: "بين المشرق و المغرب قبلة كلّه".^۲

^۱ سوره بقره، آیه ۱۲۵.

^۲ نهاية التقرير، مرحوم فاضل لنکرانی، ج ۱، ص ۲۰۴.

أحدهما عليهما السّلام قال: سألته عن القبلة؟ فقال عليه السّلام: "ضع الجدي في قفاك و صل" فإنّ المراد من القفا إمّا أن يكون مقدار ما بين الكتفين، أو المقدار الذي وقع ظهر الوجه و هو ربع الدائرة التي تتشكّل من الوجه و العنق، و طرفي اليمين و اليسار.

و على أيّ تقدير فجعل الجدي على القفا في أوساط العراق كالكوفة يحتاج إلى الانحراف عن نقطة الجنوب إلى المغرب، و التخصيص بأوساط العراق لأجل أنّ السائل - و هو محمّد بن مسلم - من أهل الكوفة.

و ما رواه الصدوق قال: قال رجل للصادق عليه السّلام: إنّي أكون في السفر و لا أهتدي إلى القبلة بالليل، فقال: أتعرف الكوكب الذي يقال له جدي؟ قلت: نعم.

قال: "اجعله على يمينك و إذا كنت في طريق الحجّ فاجعله بين كتفيك".

و لا يعلم منه أنّ السائل من أهل أيّ بلد كان و جعل الجدي على اليمين قد ينطبق على بعض بلاد الهند، و هو لا ينطبق مع جعلهم الجدي في طريق الحجّ على كتفهم، فإنّ طريق حجهم يكون من البحر، و في هذا الطريق لا يتفاوت قبلتهم مع كونهم في بلدهم، اللهمّ إلّا أن يكون طريق حجهم من البرّ فينطبق مع الأوّل، و المراد بطريق الحجّ هو الطريق الذي لا يقصد غالباً بطبّه غير الحجّ، و تخصيص السائل عدم اهتدائه بالليل يشعر بأنّه يعرف القبلة في النهار بالشمس أو غيرها... إلى قوله: على أيّ تقدير فتدل الروايتان على أوسعية القبلة، إلّا أنّ المعنى الثاني غير مفتى به لأحد من الأصحاب»^۵.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله
على محمد و آله الطاهرين

صحيحه زراره که در کلام آقای بروجردی ذکر شده این خبر است: «و یاسناده عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: لا صلاة إلا إلى القبلة، قال: قلت: أين حد القبلة؟ قال: ما بين المشرق والمغرب قبلة كله. الحديث»^۳.

اسناد صدوق به زراره صحیح است.

اخبار بعدی که در این باب ذکر شده اند کلاً مربوط به همین مسئله و سعت قبله از نظر جهت می باشند.

خبر دیگری داریم که باز بر وسعت جهت قبله دلالت دارد این خبر است: «محمد بن الحسن یاسناده عن الطاطري، عن جعفر بن سماعة، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، عن أحدهما عليهما السلام قال: سألته عن القبلة، فقال: ضع الجدي في قفاك وصله»^۴.

خب اینها که در این روایات ذکر شده اند بسیار وسیع هستند. بنده در کتاب دانش عصر فضا ستارگان و کواکب و خصوصیاتشان را بیان کرده ام، جلدی ۱۵ مرتبه از خورشید نورانی تر است، وقتی ما به طرف شمال نگاه می کنیم چهار ستاره را به طور مربع می بینیم که به آنها فرقدان نیز می گویند، از یکی از آنها سه ستاره به طرف بالا می رود که آن سومی که به طرف بالا می رود و از همه روشن تر است همان جُدی می باشد که در روایات ما خیلی به آن اهمیت داده شده، در روایتی امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می فرماید ای مفضل به آسمان نگاه کنید و ستارگان من جمله جُدی را بشناسید و در چهل مورد فرموده در آنها تأمل و تفکر کنید، سابقاً که مثل الان وسائل و لوازم مسیر یابی نبود ملوانان و رانندگان در مسیرها خیلی به این ستارگان توجه داشتند و مسیرها را از روی همین ها پیدا می کردند.

آقای بروجردی نیز در نهاية التقرير اینطور فرمودند: «إذا عرفت ما ذكرنا تظهر لك أوسعية أمر القبلة، كما يدل عليه ما رواه الشيخ يأسناده عن الطاطري، عن جعفر بن سماعة، عن العلاء بن رزین، عن محمّد بن مسلم عن

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۸، ابواب قبله، باب ۱۰، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۲، ابواب قبله، باب ۵، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

^۵ نهاية التقرير، مرحوم فاضل لنکرانی، ج ۱، ص ۲۰۹.